

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه خطبه جمعه ۰۳ آوریل ۲۰۲۰ مصادف با ۱۵ فروردین ۱۳۹۹

حضرت امیر المؤمنین سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز خلیفہ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مہدی علیہ السلام در ۰۳ آوریل ۲۰۲۰ مصادف با ۱۵ فروردین ۱۳۹۹ در بیت مبارک، بریتانیا خطبه جمعہ را ایراد فرمودند کہ با تراجم در زبانہای مختلف بر مسلم تیلیفیزیون اینترنیسنال زندہ پخش شد. حضور انور ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بعد تلاوت آیات قرآنی و ادعیہ ہای مسنون فرمودند:

با توجہ بہ شرایط این ایام، دولت اینجا قانونی وضع کردہ است و طبق آن قانون اجازہ نیست کہ در حضور مردم و مقتدیان خطبہ جمعہ ایراد شود لذا در چہارچوب قانون بہ همان اندازہ کہ اجازہ داریم امروز در اینجا تدارک خطبہ جمعہ دیدہ شدہ است تا من در مسجد خطبہ را ایراد کنم چون بہر حال، تعداد کسانی کہ خطبہ را گوش می کنند صدها ہزار نفر است، ما باید بکوشیم کہ این وحدت را برقرار نگہداریم و پیوستہ دعا ہم بکنیم کہ خداوند متعال این شرایط را بہبود ببخشد و این بیماری واگیردار را از بین ببرد و دوبارہ مثل قبل مسجد پر از نمازگزاران گردد.

سپس فرمودند الان بہ موضوع خطبہ امروز می پردازم. دو جمعہ پیش ذکر خیر حضرت طلحہ بن عبید اللہ جاری بود. آنچه شہادتش در اثنای جنگ جمل اتفاق افتاد، بہ مناسبت آن گفتہ بودم کہ در آیندہ در این راستا مطالبی را عنوان خواہم کرد و امروز بہ همان می پردازم.

حضرت عمر رضی اللہ عنہ قبل از وفات خود کمیٹہ ای برای خلافت را تشکیل دادند، کہ مشتمل بر حضرت عثمان، حضرت علی، حضرت عبد الرحمان بن

عوف، حضرت طلحه بن عبید الله، حضرت زبیر و حضرت سعد ابن وقاص بود. و حضرت عمر گفتند که من دیگر کسی را سزاوار خلافت نمی بینم چون وقتی نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم وفات یافتند ایشان از اینها راضی بودند و سپس حضرت عمر رضی الله عنه به خلیفه ای که بعد از ایشان منتخب می شود چند تا نصایح درباره مهاجران، انصار و جمیع مسلمانان فرمودند.

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه با ذکر رویداد انتخاب خلافت حضرت عثمان که برگرفته از کتابهای تاریخ است. اینگونه تعریف می کنند که حضرت عمر به اعضای این کمیته ای توصیه فرمودند که اینان در ظرف سه روز تصمیم خواهند گرفت. پس از بحث و گفتگوی طولانی وقتی ایشان به هیچ نتیجه ای نرسیدند، آنها از حضرت عبدالرحمن قول گرفتند که در امر تصمیم رعایت حال هیچ کسی نخواهند کرد حضرت عبدالرحمن سه روز به هر خانه مدینه سر زد و از زنان و مردان نظرشان را جویا شد که آنان در حق خلافت چه کسی اند، همه همین را گفتند که خلافت حضرت عثمان را قبول دارند. آنگاه وی در حق حضرت عثمان تصمیم خود را اعلام کرد و وی خلیفه منتخب شد.

در فتح الباری شرح صحیح بخاری نوشته شده است که حضرت طلحه در هنگام وصیت حضرت عمر حاضر نبود.

وقتی حضرت عثمان شهید شدند، تمام مردم که اصحاب و تابعین نیز شاملشان بودند، به طرف حضرت علی شتافتند و گفتند که امیرالمومنین علی هستند. آنگاه حضرت علی فرمودند: این کارتان نیست بلکه کار اصحاب اهل بدر است، درباره هر کسی که اصحاب اهل بدر راضی شوند، او خلیفه خواهد بود. آنگاه تمام اصحاب اهل بدر در خدمت حضرت علی حاضر شدند و با آن حضرت بیعت کردند.

حضرت مصلح موعود به این موضوع می‌پردازند که آیا حضرت طلحه و حضرت زبیر و حضرت عائشه با حضرت علی بیعت کرده بودند یا نه، ایشان این مسئله را در ضمن پاسخ به بعضی اعتراض‌های آقای خواجه کمال الدین مطرح می‌کنند. بیعت نکردن طلحه و زبیر و عائشه را بر گفته خود دلیل قرار ندهید [ایشان خطاب به آقا خواجه این سخن را می‌گویند.] آنها منکر خلافت نبودند بلکه موضوع مربوط به قاتلین عثمان بود. فارغ از این، باید به شما بگویم که هر کسی که به شما گفته که آنها با حضرت علی بیعت نکردند، اشتباه گفته است. حضرت عائشه که پس از اعتراف اشتباه خود به مدینه رفت و طلحه و زبیر درنگذشتند تا وقتی که با حضرت علی بیعت نکردند: ارجاعات [مبتنی بر این مطلب] در ذیل نقل می‌شود: برگرفته‌ای از کتاب خصایص کبری جلد دوم است

که حضرت طلحه در حالت نزاع به دست یک فردی که از لشکر حضرت علی بود با حضرت علی بیعت کردند وقتی حضرت علی را خبر دادند ایشان گفتند: الله اکبر، سخن پیامبر خدا چقدر صحیح و راست ثابت شد. خداوند متعال همین خواست که طلحه بدون بیعت با من وارد بهشت نشود. حضرت طلحه یکی از آن ده صحابی بود که در حیات خود از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بشارت بهشت دریافت کرده بود. همین طور حضرت عائشه هم یکبار بر این عمل خود تاسف کردند و گفتند: کاش آنگونه که دیگران در آن روز خانه‌نشین ماندند، من هم در خانه می‌ماندم. و طلحه و زبیر از آن ده صحابی بودند که به آنها حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در حیاتشان بشارت بهشت داده بودند و درست بودن بشارت آن حضرت صلی الله علیه و سلم امری قطعی است. و همین نیست بلکه آنها از خروج علیه حضرت علی توبه کرده بودند.

حضرت مصلح موعود با ذکر شهادت حضرت عثمان و بیعت حضرت علی و جنگ
جمل می‌فرمایند: گروه قاتلین [در بین مسلمین] پراکنده شده بودند و آنها برای این که
اتهام را از خود رفع کنند به دیگران تهمت می‌زدند. وقتی آنها متوجه شدند که حضرت
علی از مسلمانان بیعت گرفته‌اند، فرصت خوبی را پیدا کردند که به ایشان تهمت‌هایی
بزنند و این سخن درست هم بود که در پیرامون حضرت علی بعضی از قاتلین حضرت
عثمان هم جمع شده بودند لذا مخالفان و منافقان فرصت خوبی برای تهمت زدن به
آن حضرت پیدا کردند. پس، گروهی از آنها که به مکه رفته بودند حضرت عائشه را
متقاعد کردند که ایشان برای گرفتن انتقام خون حضرت عثمان اعلام جهاد کنند.
وانگهی ایشان جهاد را اعلام کردند و اصحاب را برای کمک خود فراخواندند. حضرت
طلحه و زبیر با حضرت علی به این شرط بیعت کرده بودند که ایشان هر چه سریعتر از
قاتلین حضرت عثمان انتقام خواهند گرفت. معنی‌ای که آنها از عجله برداشت کرده
بودند، در منظر حضرت علی برخلاف مصلحت بود. ایشان بر این باور بودند که اول در
تمام ولایت‌ها نظم و انضباط برقرار شود و سپس به کیفر دادن قاتلان حضرت عثمان
توجه شود چرا که گام مهمتر محافظت از اسلام است و تأخیر در امر قاتلان چندان
ضرر ندارد. فارغ از این، در تعیین این قاتلین هم اختلاف وجود داشت، کسانی که با
گرفتن قیافه افسرده اول از همه پیش حضرت علی رفته بودند و [به طور مرتب] ترس و
اندیشه ایجاد تفرقه در اسلام را ابراز می‌نمودند، درباره‌شان به طور طبیعی حضرت علی
شک و تردید نداشتند که آنها پایه‌گذار این فتنه بودند ولی مردم دیگر به آنها مشکوک
بودند لذا به سبب این اختلاف طلحه و زبیر پنداشتند که حضرت علی دارند زیر قول
می‌زنند چون آنها به یک شرط بیعت کرده بودند و به گمانشان حضرت علی آن شرط را
برآورده نکرده بودند لذا به سبب آن، آنها تصور می‌کردند که از روی شرع از بیعت با
آن حضرت آزاد شده‌اند و زمانی که اعلام حضرت عائشه به آنها رسید، آنگاه اینان نیز به

ایشان ملحق شدند زمانی که به حضرت علی خبر این لشکر رسید، ایشان نیز لشکری آماده کرده و به طرف بصره روانه شدند. و وقتی نماینده های این بزرگان یکدیگر را بازدید کردند اشتباه هایشان که درباره یک دیگر داشتند رفع شدند و ایشان به این نتیجه رسیدند که جنگ درست نیست و به صلح و امنیت راضی شدند .

وقتی این خبر به سبائیان یعنی گروه عبدالله بن سبا و قاتلان حضرت عثمان رسید، آنها بسیار نگران شدند و در خفا گروهی از آنها برای شورا جمع شدند و تصمیم گرفتند که برقراری صلح در بین مسلمین برای ما بسیار زیان آور خواهد بود، بنابراین، به هر طریقی ممکن نگذاریم که صلح برقرار شود. در این اثنا حضرت علی هم رسیدند و ایشان با حضرت زبیر ملاقات هم کردند آنگاه حضرت طلحه رضی الله عنه که حضرت زبیر هم همراهش بود، گفت: شما مردم را به قتل حضرت عثمان تحریک کرده بودید. حضرت علی فرمودند: من به هر کسی که در قتل حضرت عثمان دست داشت، لعنت می فرستم، سپس حضرت علی خطاب به حضرت زبیر فرمودند: آیا یادت نیست که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده بودند: به خدا قسم، تو با علی می جنگی و تو ستمکار و ظالم خواهی بود. پس از شنیدن این سخن، حضرت زبیر به طرف لشکر خود بازگشت و سوگند خورد که وی هرگز با حضرت علی نخواهد جنگید و اعتراف نمود که خطای اجتهادی مرتکب شده است. وقتی این خبر در لشکر پیچید، همه اطمینان خاطر پیدا کردند که الان دیگر جنگ در نمی گیرد بلکه صلح برقرار می شود اما فتنه جویان از این شرایط سخت نگران شدند و وقتی شب فرارسید، آنها برای جلوگیری از این صلح این تدبیر اندیشیدند که آنهایی که همراه حضرت علی بودند آنها موقع شب برلشکر حضرت عایشه و حضرت طلحه و زبیر یورش زدند و کسانی که در لشکرشان بودند آنها به لشکر حضرت علی یورش زدند که در نتیجه آن شوری برپا شد و

هر گروهی گمان کرد که که گروهی دیگر فریب داده‌است اما درواقع این طوطهٔ سبائیان بود وقتی جنگ شروع شد حضرت علی صدا کردند که کسی به حضرت عایشه را خبر دهد تا این فتنه به پایان برسد. حضرت عایشه با صدای بلند می گفتند که نجنگید ولی مفسدان این را باور نکردند. حضرت زبیر در جنگ شرکت نفرمودند و به جای دیگر خلوت رفتند اما یک شقی دنبالشان رفت و آنها را در حالت نماز به شهادت رساند.

حضرت طلحه در میدان جنگ توسط مفسدان شهید شدند. حضرت علی وقتی جنگ به پایان رسید جسد حضرت طلحه بین مقتولین دید به شدت افسوس کردند با تمام رخدادها معلوم می‌شود که صحابه هیچ نوع دخالتی نداشتند بلکه این شیطانی قاتلان حضرت عثمان بود و امر دیگر اینکه حضرت طلحه و زبیر در بیعت حضرت علی فوت شدند چون از ارادهٔ خودشان منصرف شدند و اذعان کردند که همراه حضرت علی خواهند بود اما به دست شریبران شهید شدند. آن کسی که قاتل بود در گمان این که انعامی داده می‌شوم در حال دویدن آمد و گفت که ای امیرالمومنین من بشارت کشته شدن دشمن شما می‌دهم حضرت علی دریافت فرمودند که کدام دشمن؟ گفت امیرالمومنین: طلحه. فرمودند که ای فرد من تو را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بشارت می‌دهم که در دوزخ انداخته می‌شوی چون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم یک دفعه به من فرمودند و طلحه هم حضور داشت که ای طلحه باری به سبب حق و عدالت، زلت و رسوایی تحمل خواهید کرد و تو را شخصی می‌کشد اما او را خداوند در جهنم می‌اندازد و حضرت علی بر قاتلان ایشان لعنت کردند..

موقع جنگ جمل حضرت مصلح موعود در ذکر می‌فرمایند کسی گفت که کج دست کشته شد صحابی که این حرفها را گوش کرد و گفت ای بدبخت می‌دانی که چطور کج دست شد هنگام جنگ جمل به خاطر سوتفاهم لشکر اصحاب از میدان جنگ فرار کرد

و کفار متوجه شدند که پیامبر اکرم با چند اصحاب در میدان تنها مانده‌اند لشکر سه‌هزار نفر دور ایشان جمع شد و صدها تیر کمان بر ایشان کشیدند و رخ پیامبر اکرم را هدف تیرخودشان قرار دادند تا با تیر سوراخ سوراخ کند آن وقت کسی که برای مراقبت رسول اکرم ایستاد آن کس طلحه بود، طلحه دستش را جلوی پیامبر اکرم کرد و هر تیری که زدند به جای رخ پیامبر اکرم روی دست طلحه برخورد تا اینکه زخم عادی نشد و به سبب فروانی زخم عضلات دستان بیکار شدند و دستشان فلج زد و تو با حقارت به کسی کج دست می‌گویی کج دست شدنش آن نعمتی است که هر کس از ما آرزوی آن برکت می‌کند.

در آخر خطبه حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز در مورد اوضاع کنونی ملفوظات های حضرت مسیح موعود علیه السلام را خواندند که ایشان در روز های وبا فرمودند که خانه‌ها را روشن نگاه دارید و خانه‌ها را تمیز کنید و لباس تمیز بپوشید و تمیز نگاه داشتن سنت است. در قرآن شریف آمده است و ثيابك فطهر والرجز فاهجر.

از شهر خودشان به جای دیگر نروید و خانه‌ها را تمیز نگاه دارید و آنها را گرم کنید و تدابیر مهمی را بخاطر حفظ ما تقدم عمل کنید و مهم‌تر از همه اینکه توبه حقیقی کنید و با خداوند پاک صلح کنید و موقع شب در تهجد دعا کنید.

سپس حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز فرمودند که خداوند تمام احمدی‌ها را توفیق دهد که در این روزها به طرف دعاها توجه خاصی کنند و باید که بر دستورات دولت عمل کنند و به احمدی‌ها نصیحت فرمودند که خانه‌ها را تمیز نگاه دارید و اسفند را دود کنید و محلول ضد عفونی بپاشید. خداوند بر همه ما فضل کند و رحم کند به هر حال در این روزها به طرف دعا توجه خاص کنید خداوند همه ما را توفیق دهد. و بر ما رحم کند آمین